

# یاد مولا (۸۲) توسل به مولا (۵)

در کتاب شریف عبقری الحسان (مرحوم آیت الله نهاوندی) ج ۲ ص ۱۷۷ آمده که: ابو الوفاء شیرازی می گوید:



در زندان ابو علی ایاس با وضع سختی اسیر  
بودم و برایم معلوم شد که او قصد کشتن مرا  
دارد لذا شکایت را نزد خداوند تبارک و

تعالی بردم و مولای خود ابی محمد علی بن

الحسن زین العابدین علیه السلام را شفیع قرار

دادم در این بین به خواب رفتم، در عالم رؤیا

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را

زیارت کردم حضرت فرمودند:

نه به من و نه به دخترم و نه به دو پسر

(امام حسن و امام حسین) علیهم السلام برای

مادیات متوسل نشو، بلکه برای آخرت

و آنچه از فضل خدای تعالی امید داری به ما متوسل شو.

و امّا: **ابو الحسن** (امیرالمؤمنین) علیه السلام **برادم**، او انتقام تو را از کسی که به تو ظلم نموده می گیرد، عرض کردم: یا رسول الله آیا مگر به فاطمه سلام الله علیها ظلم نکردند؟ ولی ایشان صبر کردند و میراث شما را غصب کردند و ایشان صبر نمود؟ پس چطور انتقام مرا از کسی که به من ظلم نموده می گیرد؟! حضرت از روی تعجب نظری به من کردند و فرمودند: این موضوع عهدی بود که من با او بسته بودم، و فرمانی بود که من به او داده بودم، و برای او کار جز به پیا داشتن آن پیمان جایز نبود، او هم حق را ادا کرد، **وای بر کسی که متعرض دوستان و شیعیان ما شود** علی علیه السلام انتقام او را می گیرد.

امّا: **علی بن الحسین** علیه السلام، برای نجات از سلاطین و شرّ شیاطین

و **محمد بن علی و جعفر بن محمد** علیهما السلام برای آخرت و آنچه از اطاعت خداوند و رضوان او بخواهی

امّا: **موسی بن جعفر** علیهما السلام عافیت را به وسیله او بخواه

و امّا: **علی بن موسی** علیهما السلام برای نجات و (به روایتی) نازل شدن رزق

امّا: **علی بن محمد** علیهما السلام برای قضای نوافل و نیکی برادران دینی و آنچه از اطاعت خداوند عزوجل بخواهی

و امّا: **حسن بن علی** علیهما السلام برای آخرت

و امّا: **حجت** عجل الله تعالی فرجه الشریف هر گاه شمشیر به محلّ ذبح تو رسید، (حضرت با دست به سوی گوی خود اشاره

فرمودند) به او استغاثه کن و بگو:

يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَنَا مُسْتَعِثُّ بِكَ

ابوالوفاء می گوید: همانجا (در عالم خواب) فریاد زدم یا مولای یا صاحب الزمان انا مستعث بک. همان لحظه دیدم شخصی از آسمان فرود آمد که سوار بر اسب است و در دست خنجر از نور داشت، عرض کردم: مولای من شتر آنکه مرا ازیت می کند رفع کن. فرمود: کار تو را انجام **داوم**. صبح الیاس مرا خواست و گفت: به چه کسی استغاثه کردی؟ گفتم: به آن کسی که فریادس در ماندگان است.

# اساره ای در معرفی جناب سید ابوالوفاء شیرازی



\* به نقل از آثار عجم: جناب سید ابوالوفاء از سادات جلیل القدر بودند که در زمان جناب حافظ شیرازی و جناب شاه داعی الی الله زندگی می کرده اند و برخی می گویند از شاگردان شاه داعی الی الله بوده اند و به شاه نعمت الله ولی ارادت داشته و وقتی ایشان به شیرازی آیند خدمت ایشان کرده است. جناب خواجه حافظ شیرازی غمی دارند که ضمن آن نام جناب ابوالوفاء را آورده اند و به نحوی ایشان را ستوده اند:

سحر بلبل حکایت با صبا کرد  
که عشق روی گل با ما چه ما کرد  
از آن رنگ رخم خون در دل افتاد  
وز آن گلشن به حارم بتلا کرد  
غلام همت آن نازنینم  
که کار خیر بی روی و ریا کرد  
من از بیگانگان دیگر نمانم  
که با من هر چه کرد آن آشنا کرد  
گر از سلطان طمع کردم خطابود  
خوش باد آن نیم صبحگاهی  
نقاب گل کشید و زلف سنبل  
به هر سو بلبل عاشق در افغان  
بشارت بر به کوی می فروشان  
وفا از خواجهگان شهر با من  
کمال دولت و دین بوالوفاء کرد

هم اکنون آرامگاه ایشان (در چهارراه پانزده خرداد شیراز) زیارتگاه مردم استان فارس و محل برپایی نماز جماعت و مجالس دینی می باشد.

والحمد لله رب العالمین